

بنیانگذار نمایشی در ایران

واژه 'نمایشنامه' اصلاً معادل فارسی واژه یونانی درام است که معنایش 'عمل' یا 'کاریا' کاری تعمیل شده می باشد۔ ارسطو، فیلسوف شهیر یونان باستان، این ژانر ادبی را یکی از انواع مهم ادبی یعنی ادب دراماتیک یا نمایشی دانسته است که روی صحنه به اجراء پرداخته می شود۔ ادب دراماتیک یا نمایشی و اجراء نمایشنامه در یونان باستان و روم از رواج فوق العاده برخوردار بود۔^۲

ایران مانند دیگر ملل باستان نیز دارای فرهنگ غنی و مجلل بوده است و در هر زمینه نقش آن یافت می شود۔^۳ اما اطلاعات ما پیرامون سابقه نمایش و نمایشنامه نویسی در ایران باستان، خیلی محدود است و حتی اشارات هر چه کمتر در این باب بدست می آید نیز از منابع خارجی است و این اشارات حاکی بر آن است که در اعصار عتیق برگزاری برخی مراسم مذهبی و جشن های ملی و درباری یا سالگردهای ملی جنبه نمایشی به خود گرفته است۔ از مراجعات تاریخی روشن می شود که در دربار سلوکیان نمایشنامه های یونانی اجراء می شده است و در دوره اشکانیان که فرمانروایان عهد دوستار یونان و طبعاً مایل به فرهنگ آن بوده اند، نمایشنامه های از نویسندگان یونان در متصرفات شان اجراء می شده است۔^۴

در اکثر تمدن های باستانی نمایشنامه وجود داشته است و جزو مراسم مذهبی بوده

است، زیرا در آنها از تجلیل خدایان و مُردگان و کیفیت گناهان و امثال این موضوعات سخن می‌رفته است - مثلاً سابقه نمایشنامه در مصر به حدود چهارهزار سال قبل از میلاد می‌رسد و معروف‌ترین نمایشنامه‌ها در آنجا تعزیه 'اوزیریس' بود - در نمایشنامه‌های قدیم یونان و روم انسان باز بچگونه سر نوشت است و در عهد رینسانس اروپای این نمایشنامه‌ها دوباره کشف شد اما 'اوما نیسم' فکر اساسی این نمایشنامه‌های کشف شده است - ۵

نمایشنامه در ایران به شکل تعزیه معرّنی و متداول گشت که دوران ده روز اوّل ماه محرم اجراء می‌شدند و از این دیدگاه میتوان نمایشنامه ایران را در دو گروه رده بندی کنیم - اولاً نمایشنامه‌های سنتی و ثانیاً نمایشنامه‌های نوین، نمایشنامه سنتی همان تعزیه و شبیه خوانی است - ۶

آنچه که ما می‌دانیم در دوران انقلاب مشروطیت ادبیات فارسی، اعم منشور و منظوم، در همه ساحات از لحاظ موضوع و سبک، از تحولات و تطوّرات زیادی برخوردار شد - رُمان و روزنامه نویسی و نمایشنامه نویسی بعنوان انواع نوین در صحنه نثر فارسی بروز کرد - نویسندگان این دوره از اسلوب ساده و روان اعتناء زیادی ورزیدند - متن و موضوع هر دو برای مردمان عامّه سهل الادراک بود و نمایشنامه نویسی، یکی از مهمترین انواع نثر فارسی، در این دوره نه فقط مطبوع و مقبول گشت بلکه اجراء آن در تابلوی روانی اجتماع معاصر ایران تأثیر تازه و هنگفت و دیرپا داشت - پس از جنگ جهانی اوّل، گروهی از بازیگران قفقاز و روسیه به ایران آمدند و با آنکه زبان آنها ترکی یا روسی بوده، کار آنها برای نمایشنامه نویسی ایران راه نوینی را باز کرد و گروهی از مترجمین بخاطر آموختن نکات تازه آثار ترکیه و روسیه را به فارسی ترجمه کردند - اما نمایشنامه نویسی به طرز

اروپائی و به معنای امروزی در ایران نخستین بار، با تأسیس دارالفنون در سال ۱۸۵۱م از طریق ترجمه ها و به خصوص از ترجمه نمایشنامه های مولیر مطرح شد. ۷. مقارن با اجرای نمایشنامه های قفقازیان، عزیمت دانشجویان ایرانی به اروپا بویژه به فرانسه برای تحصیلات عالی و بیشتر، بوده است و این دانشجویان رویهمرفته از تیاتر اروپای خیلی متأثر گشتند و به بازگشت به وطن می خواستند، طرز و شیوه اروپایان را در این زمینه خط مشی خودشان قرار دهند و سرانجام یک گروه از نویسندگان این دوره نه فقط از سبک اروپای بلکه از موضوع آن نیز پیگیری نمود. ۸

ضمن ترجمه آثار اروپای این نکته باید یاد آور شود که مترجمان این آثار با تغییر اسامی اشخاص و اماکن به نام های ایرانی و کاربرد تعابیر خاص زندگی ایرانی، موضوع را برای خوانندگان یا تماشاگران ملموس تر ساخته اند. ۹

مثلاً در ترجمه ای که محمد طاهر میرزا از نمایش 'عروس اجباری' مولیر 'عروس جناب میرزا' کرده است امتیاز اساسی استخدام اصطلاحات خاص و ساختن زبان قشرهای مختلف مردم است.

در همان زمان که برگردانی نمایشنامه های اروپای طبق روال طبیعت ایرانیان در زبان فارسی جریان داشت، نخستین ایرانی که از تقلید مکتب مولیر و تاحدی گوگول، اما با موضوعات جامعه ایران نمایشنامه نوشت، میرزا فتحعلی آخوندزاده بود و زودی نگذشت که میرزا آقاسی تبریزی تحت تأثیر میرزا فتحعلی دست به کار نمایشنامه نویسی زد. این هر دو هنرمند چیره دست از اولین نمایشنامه نویسان فارسی بشمار می رود. ۱۱

احوال و آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده و آقا میرزای

میرزا فتحعلی آخوندزاده معروف به آخوندوف، بنیان گزار ادبیات نوین ایران و از جمله کسانی که روند جدیدی را در ادبیات مرزج ساخت، در سال ۱۸۱۲م (۱۲۲۸هـ.ق) در شهر "نوخا" چشم بجهان گشود. او قسمت بیشتر از زندگی خود را در شهر تفلیس، که در آن زمان پایتخت قفقاز بود بسر برد. قفقاز و علی الاخص شهر تفلیس در آن زمان از لحاظ ادب و فرهنگ پیشرفت زیادی نموده و یک مرکز مهم فکری و ادبی محسوب می شد. آخوندزاده دوران اقامتش در تفلیس با ادبیات و فلسفه جدید اروپای و با آثار نویسندگان غربی نظیر مولیر، ولتر، منتسکیو، سرمانتوف، پوهلکین و گریبایدوف آشنا شد و جهان فکری اش وسیع و عمیق گشت. او اینجا نمایشنامه های در زبان مختلف را خواند و به طرف نمایشنامه نویسی مایل شد. او مبتکر و مبلغ اندیشه ناسیونالیسم و افکار مشروطه خواهی در ایران است می توان گفت که گرایش او به ادبیات به جهت اراده افکاری بود و ادب را به عنوان افزاری برای شایعات اندیشه ها استعمال برد. او اول کسی بوده است که ریالیسم را در ادبیات آذربایجان برزیده است همان طور که گوگول در ادبیات روسیه و مولیر در ادبیات فرانسوی آخوندزاده رهبری و آموز گاری کمدی نویسان آذربایجان را به عهده گرفته است.

آثار آخوندزاده آینه ای است که افکار و شخصیت او را بر اوستی منعکس می سازد. محتوای آثاری ادبی آخوندزاده مثل تبلیغ او مانسیم، ناسیونالیسم، نفی دین و مظاهر آن و تغییر خط فارسی به لاتین، مورد پذیرش نگارنده نیست، اما آثار ادبی او شاید یکی از ارزنده ترین آثار ادبی در دوره قاجاریه باشد، زیرا او به ارزش ادبیات و اراده اندیشه و ایجاد

تحولات سیاسی و اجتماعی واقف بود.

میرزا فتحعلی آخوندزاده شش نمایشنامه کم‌دی و یک داستان در زبان ترکی در میان سالهای ۱۲۶۶ تا ۱۲۷۲ هـ. ق نوشته است. این نمایشنامه را از خود به زبان روسی ترجمه کرده است. به سال ۱۲۹۱ هـ. ق همه نمایشنامه‌هایش تحت عنوان "تمثیلات" در مجله به چاپ رسید. همه نمایشنامه‌هایش را میرزا جعفر قراچه‌دانی بین سالهای ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۵ هـ. ق به زبان فارسی ترجمه کرد.

"تمثیلات آخوندزاده که به لهجه روان و ساده آذربایجانی نوشته شده است، آینه تمام‌نمایی اخلاق و عادات و آداب مردم ترکی زبان آذربایجان است. نویسنده به طبایع انسانی آشنا و به بیان دریافت خود توانا است. در هر یک از این تمثیلات ما خود را در زمان تحریر داستان و در بیان اوضاع و احوالی که توصیف شده می‌یابیم. افراد مجلس یکا یک با اخلاق و صفات و با پوشاک خود از برابر مارد می‌شوند و ما گفتار و کردار آنان را به خوبی درک می‌کنیم، با آنان می‌خندیم و با آنان می‌گرییم." ۱۳

در بیان صفات مردم آخوندزاده عنصرهای مثبت مردمان را بیشتر نمایش میدهد. بسیاری از نویسندگان معاصر آخوندزاده که از انقلاب مشروطیت و بیداری مردم خیلی متأثر بودند در نوشته‌های شان اخلاق و عادات، تشریفات و آداب مردمان را جهات حس و فصل مسئله جهالت به شیوه تازه جای داده آنها را تشویق دادند که علیه استبداد مقاومت کنند. آخوندزاده نیز از این معاصرانش تأثیر عمیق گرفت و در نمایشنامه‌های خود این موضوع را به ویژه نمایش داده است. به همین سبب است که او می‌خواهد در نمایشنامه صفات مثبت بگیرد که مردمان عامه از آن نصیحت گیرند و در اجتماع

پیشرفت کنند- شخصیتها و عناصر و چاشنی‌هایی که به شکل اصلی و فرعی در این نمایشنامه
 ها مطرح شد و بکار رفته است، همگی دست به دست هم داده اند تا فرهنگ عمومی مسلمین را
 زیر سوال ببرند و نیز مقاومت مسلمانان قفقاز را که به رهبری شیخ شامل، خواهان
 بازگشت به پیکره کشور ایران بودند، سازش بکشند و آنان را به تبعیت از روسیه تزاری
 بکشانند- ”در نمایشنامه آخوندزاده نه تنها کسانی که دارای صفات منفی هستند بلکه مردم
 پیشرو و مثبت آن روزگار هم جایگاه مخصوص دارند- نویسنده در برابر ”ملا ابراهیم خلیل“ شیاد
 و حقه باز و مردم گرسنه چشم‌نوخامرد شاعر و راسته‌ای مثل ”جاجی نوری“ در مقابل ”حسن
 آقا“ و درویش مستعلی ”موسیو ژوردان“، شاهباز بیگ و در برابر ”خان“
 نادان- جوان شایسته‌ای چون ”تیمور آقا“ را قرار دهد تا بتواند صفات و خواص منفی را
 هر چه بهتر و برجسته تر نمایش بدهد-“ ۱۴

تمثیل ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر

مضمون تمثیل کیمیاگر چنین است: ملا ابراهیم نامی که به کیمیاگری مشهور است و گفته
 میشود از مس، نقره می‌سازد، برای سرکبه کردن اهالی نوحا به این شهر آمده و با دستگیری چند
 نفر دیگر اهالی نادان را می‌خرد و نوآنان پول گرفته تا بجای آن قره دو برابر دهد- منظور کلی
 نویسنده روشن است- نشان دادن جهل و خرافات و ناآگاهی مردم-“

این نمایشنامه که به شیوه اروپا در ادبیات ثبت شده و این تمثیل با تمام نقایص
 و کمبودها، اثری با ارزش برای شروع ادبیات نمایشی در ایران محسوب می‌شود-
 این نمایشنامه همچون نامه‌ای علیه رسالت ادیان توحیدی است که نویسنده در آن

با هدف قرار دادن شخص حضرت ابراهیم خلیل اللہ سعی دارد اعتقاد به وحی و انبیاء الهی و تبعیت از دین حنیف اسلام را پوچ جلوه دهد و او ما نسیم و خود بینای معاصر را جای آن تبلیغ نماید۔

یکی از موضوعات مهم این نمایشنامه تروج افکار روس گریانه و تبلیغ دعوت مردم و به تبعیت از سیاست دولت روسیه است۔ نویسنده این مسئلہ را در چند نمایشنامه دیگرش نیز بیان کرده است۔

”چند بار بہ تو گفتم پیش طبیبان روس برو، لامحالہ دوائی تب را از آنہا بیاموز ما با آب ہندوانہ معالجہ نمودن را ترک کن، نشنیدی۔“ ۱۵

حکایت مسوی ژوردان حکیم نباتات و مستعلی شاہ مشہور بہ جادوگر

مقدمہ این نمایشنامہ واقعہ فراہم کردہ و اطلاعات مہمی را می دہد موسیو ژوردان، گیاہ شناس فرانسوی کہ برای آموختن ”نباتات شناسی“ بہ قفقاز آمدہ و در خانہ ”حاتم خان آقا“ زندگی می کند، شہباز بیگ کہ نامزد دخترش نیز ہست موسیو ژوردان کہ بہ شہباز بیگ در بارہ پاریس تعریفہای زیادی کردہ است۔ شہباز بیگ خواہشمند است کہ موسیو ژوردان پاریس برود ولی نامزدوزن عمولیش از این کار رضا مند نبودہ و خیال می کنند اگر شہباز بیگ بہ پاریس برود دختران پاریسی اورا از راہ بدخواہند برد۔

یکی از موضوعات اصلی این نمایشنامہ مسألہ اعزام دانشجو بہ خارج از کشور و تحصیل در آن دیار است کہ ہدف از آن این است کہ شہباز بیگ با رفتن بہ فرانسہ و تحصیل در آنجا شہرت و لیاقت پیدا کند برای نوکری حکومت روس

نویسنده در این نمایشنامه، مسأله خرافات و جادوگری را با مهارتی خاص با سنت های اسلامی آمیخته است و آن را طرز فکر شخصیت های معتقد به باورهای اسلامی نمایشنامه تلقتی کرده است، و با نمایاندن برخورد خرافات کهنه با دانش نو، علت عقب ماندگی جوامع اسلامی را در ضدیت آنان با علم بیان کرده است، و راه حلی که برای رهایی از خرافات ارائه می دهد، تقلید و پیروی از غرب است - پیشرفت و ترقی غرب در این نمایشنامه با یک بینش سطحی در کشف حجاب و اختلاط زن و مرد و روابطه آزاد آنان با مردان دانسته شده است -

نمایشنامه وزیر خان لنکران

این نمایشنامه در سال ۱۲۶۸ ه. ق نوشته شده و در سال ۱۸۷۳ میلادی در باکو نمایش داده شده - این نمایشنامه چهار مجلس دارد - این نخستین کمدی اجتماعی، انتقادی تاریک نمایش ایران محسوب می شود - خلاصه نمایشنامه چنین است که تیمور آقا برادرزاده خان لنکران عاشق النساء، خانم خواهر زن وزیر خان لنکران می شود - آخوندزاده در این نمایشنامه هم زندگی خانوادگی و همسراهای عمال حکومتی و هم خود دستگاه حکومت که لبریز از فساد است را نشان می دهد و از عرفی زمان رویداد واقع را نیز مقارن با حکومت فتحعلی شاه قاجار گرفته که درست دو سال بعد، شهر گنجه به دست "سیانف" تصرف و به روسیه ملحق می شود -

"ایرادی که این نمایشنامه دارد، این است که اشخاص نمایش به طور بارزی

تعدادشان زیاد است و شاید بتوان گفته اکثرشان سپاهی لشکرند. به علاوه می توان پرسید که اگر قضیه دربار که خان برخلاف انتظار و علی رغم سیر طبیعی حوادث در آن غرق می شود نبود، گره داستان چگونه ممکن بود به نفع تیمور باز شود؟ در واقع وجود این دربار که به خاطر آن آخوندزاده عنوان نمایشنامه را از وزیر خان سراب به وزیر خان لنگران عوض کرده است.... در این ماجرا نقطه نوعی تصادف است، گره کشایی به وسیله تصادف چنان که نقادان گفته اند، ضعیف ترین نوع گره کشایی است. - ۱۶

خرس قولدور باسان

مبنی بر سه مجلس به سال ۱۲۶۸ ه. ق. نوشته و در تماشای خانه تفلیس در سال ۱۸۵۷ میلادی به نمایش گذاشته است. در این نمایشنامه علاوه بر تصویر فئودالی، حقوق زنان را مطرح کرده است.

مسئله اصلی این نمایشنامه محرومیت زن در انتخاب همسر مورد علاقه خویش و آراء تصویر غم انگیزی از ازدواج تحمیل زنان است. پریزاد که نمونه چنین دختری است در مقابل ازدواج تحمیلی عکس العمل نشان داده می گوید: (به مترجم) به دیوان عرض کن من هرگز به تاروردی نمی روم. اگر بنخواستم مرا به تاروردی بدهندی بی شک خودم را هلاک می کنم. - ۱۷

پیام دیگر که در نمایشنامه هست "تروج و اشاعه بیگانه پرستی و دعوت مردم به تبعیت از حکومت روسیه است. آخوندزاده در این نمایشنامه مردم ایران به دزدی و شیگری متهم کرده، از قول دیوان بیکی، ایرانیان را به اطاعت از دولت روسیه می خواند.

سرگذشت مردم خیسس یا حاجی قرا

این نمایشنامه در سال ۱۲۶۹ ه. ق نوشته وینی برنچ مجلس است و به اسم "حاجی قرا" مشهور شده است. این کمدی در سال ۱۸۷۳ م در تماشخانه شهر باکو به اجرا درآمده و در زبانهای دیگر نیز ترجمه شده است.

آخوندزاده در این نمایشنامه مناسبات اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه آن روز را نقد و تصویر کرده است. به لحاظ تکنیک نمایش و فن درام نویسی این اثر از آثار نمایشی دیگر او بهتر است. شخصیت آزمونده حاجی قره، که در این نمایشنامه به عنوان نماینده بازار و بازاری، طراجی گردیده خوب اراة شده است. از مسائل مهمی که در این نمایشنامه مطرح است، مسائله دعوت به بیگانه پرستی و روسی گری است.

آخوندزاده در این نمایشنامه تلاش می کند مردم را از عواقب کارهای سیاسی و نظمی علیه روس ترسانده، تلقین کند که اگر خواهان سلامتی خود هستند از مجازات سخت و بازجویی روسها اندیشه کنند "زیرا" مجلس استتاق روسها لرزه به جان می اندازد. "۱۸

نمایشنامه وکلای مرافعه تبریز

این نمایشنامه که در سال ۱۲۳۷ ه. ق نوشته وینی برسه مجلس است.

"کمدی وکلای مرافعه آخرین نمایشنامه آخوندزاده است. مولف در این نمایشنامه دستگاه عدالت حق شکنی ها و حقه بازی های وکلای و دعاوی را به شدت نکوهش کرده است و برای اینکه توجه مامورین سانسور دولت استبدادی روس را جلب تکند صحنه وقوع حوادث را عمدأ در شهر تبریز قرار داده است. "۱۹

نویسنده ضمن مطرح کردن مساله حقوق زنان در فقه اسلامی، از امر قضاوت و وکالت در جامعه آن روز ایران انتقادی کند. بعلاوه یکی از نقص های این نمایشنامه، شهادت بحق، اما اتفاقی شاهدان در دادگاه و صدور حکم عادلانه به وسیله حاکم شرع است. نویسنده در این اثر نمایشی می خواهد یادآور شود که هر چند حاکم شرع در پایان نمایشنامه حکم به عدالت و حق داده است، اما این امر بر اساس علم و آگاهی نبوده، بلکه به طور اتفاقی صورت گرفته است.

میرزا آقا تبریزی

میرزا آقا تبریزی اولین کسی است که در زبان فارسی نمایشنامه نوشته است. او بخوبی از تیاتر اروپایی آشنا بود و از نمایشنامه آن نفوذ زیادی گرفته است. در نمایشنامه خود او در باره موضوعات اجتماعی و سیاسی بر ضد استبداد نوشته است.

میرزا آقا خان در تبریز تولد یافت و همین جا تحصیلات مقدماتی را فرا گرفت. وی از طفولیت به آموختن زبان فرانسه و روسیه شوق پیدا کرده و زبان فرانسه را یاد گرفت و بعد از افتتاح دارالفنون به سمت مترجم معلمین اطریشی در انجا بکار مشغول بود. میرزا آقا خان تبریزی پنج نمایشنامه نوشته است. سه تا از آنها در برلن در سال ۱۳۴۰ با عنوان مجموعه مشتمل بر سه قطعه تیاتر منسوب به میرزا ملکم خان ناظم الدوله به چاپ رسیده اند. انتساب نمایشنامه ها به میرزا ملکم خان اشتباهی بود که تا سالهای ادامه داشت. تا اینکه در سال ۱۹۵۰ ع- ابراهیموف، پژوهشگر آذربایجان شوروی با انتشار آرشیو اسناد و نامه های میرزا فتحعلی آخوندزاده پرده از روی این ابهام چندین ساله برداشته و معلوم

کرد که این نمایشنامه‌ها متعلق به شخص بنام "میرزا آقا" است و میرزا ملکم خان در این مورد نقشی نداشته است.

سرگذشت اشرف خان حاکم عربستان

این اولین تجربه نمایشنامه نویسی در زبان فارسی نه تنها از عدم آشنای نویسنده با اصول و قواعد درام نویسی بلکه همبینطور از قصد و نیت وی از نگارش چنین "نوشتجات نزهت آیات ساریه" سرچشمه می گیرد.

خلاصه اشرف خان حاکم عربستان برای دادن مفاضا و دربار پویشیدن خلعت و حکومت، پایتخت می آید و مجبور می شود که برای انجام منظور خود از ذات مبارک همایونی و شخص اول گرفته تا فرانشان و قاپوچی ها و اهل طویله و غیره رشوه داده و در آخر سر نیز در حالیکه تاخره بوسیله اهل حکومت چاپیده شده است - خلعت حکومت را پوشیده و آماده فرار از پایتخت میشود - بلایای که در پایتخت بر سر حاکم بیچاره می آورند، انقدر عذاب آورند که اشرف خان فریادی آورد -

"اشرف خان ... " به پیرم من دیگر حکومت نمی خواهم دیگر حکومت به این قسم حرام است بلکه قرسانی است من فردای روم هر چه می خواهد بشود - جهنم هر چه باقی به پای من بنویسند می دهم سرم را برمی دارم این جای روم - الله چه ولایتی چه ولایتی - " ۲۰

طریقه حکومت زمان خان بروجرودی

این نمایشنامه از لحاظ مضمون و کارکترای یکی از بهترین نمایشنامه میرزا آقا تبریزی بوده است - این نمایشنامه مبنی بر چهار مجلس است - خلاصه این نمایش اینطور است - زمان

خان که در سه ۱۲۲۶ هـ. ق حکومت دست بگیرد و اولاً انصاف مردم و برای پیشرفت کشور کاری کند تا بعداً می تواند بهتر و بیشتر غارت می کند. او امر داد که مردم را بایزدزد، دغل و شراب و جنده را ترک بدهد. به فراش باشی نیز "وارطانوس ارمنی" را هم امر داد که این کار ترک بدهد. مدتها بعد چون پول زمان ختم شد خیلی پریشان شد و برای جلوگیری هم سعی کرد. هم به فراش باشی رابطه قایم کرد. فراشی باشی تصمیم گیرد که این مشکل را باید حل کند. حل این است که کوکب فحشه را به "جان حاجی رجب" تاجر انداخته تا به این وسیله بتواند حاجی رجب تاجر را خوب سرکیه کنند بعد از او بدل شدن نامه های دعوت بین کوکب خانم و حاجی رجب بالاخره برای ملاقات شب یکشنبه معین شد. به شب یکشنبه حاجی رجب وارد خانه کوکب شده و می نشیند تا با او معاشرت کند، حاجی رجب واداری کند که سیصد تومان پول برای اسکوت به حاکم حواله کند. حاجی رجب پس از آمدن به حجره خود، پول را برای کوکب فرستاد تا توسط فراش باشی وده باشی تقدیم حاکم شود.

حکایت کربلا رفتن شاه قلی میرزا

این حکایت از لحاظ نمایشنامه اهمیت خاصی ندارد ولی از لحاظ اصول وقواعد و مضمون اهمیت خاصی دارد. این هم برضد استبداد و برضد دستگاه حکومتی است.

قصه عشق بازی آقاهاشم خلخالی و سرگذشت آن ایام

این نمایشنامه از لحاظ مضمون از همه نمایشنامه آقا تبریزی برتری دارد. در این نمایشنامه تبریزی درباره اجتماع ایران و رابطه اجتماعی و خانوادگی پرداخته و مسئله ازدواج و مناسبات خانوادگی را بیان کرده است.

حاجی مرشد کیمیاگر

حکایت حاجی مرشد کیمیاگر که در فهرست نمایشنامه آقا تبریزی است ولی از هیچ لحاظ این نمایشنامه نیست - این که بیشتر تحت تاثیر آثاری چون "مکتوبات کمال الدوله" و "کتاب احمد" و سایر کتابهای که بر شیوه "مخاوره" در آن روزگار نگارش می یافتند تحریر شده است - میرزا آقا این حکایت را بر سبیل "ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر" و در اثبات ناآگاهی و نادانی و طماعی بعضی از مردم نوشته است - در این حکایت حاجی احمد دوستیار شوق پناه با طرح این مسئله که با علم کیمیاگری طلای سازند، چندتن از تجار و کسبه اهل بغداد و کربلا را فریفته و مال و حتی ناموس آنها را به یغمای برند و در آخر سرفراز را برقرار ترجیح می دهند -

1. Faique, Mohammad: A Complete Study of Persian Drama- 1906-1995, New Delhi, 199, p.65

۲- شمیسا، دکتر سیروس: انواع ادبی، انتشارات فردوسی، تھران، ۱۳۲۵، ص ۱۳۱

۳- محمدی، محمد: فرھنگ ایرانی پیش از اسلام، تھران، ۱۳۷۴، دیباچہ

۴- سپانلو، محمد علی: نویسندگان پیشرو ایران، تھران، ۱۳۶۶، ص ۱۹۹

۵- شمیسا، ص ۱۲۳

۶- همان، صص ۲۰۱-۲۰۰

۷- عامل، شاہ باز: نمایشنامہ نویسی در ایران، دھلی نو، ۲۰۰۶، صص ۶۲-۶۱

۸- همان: صص ۲۰۱

۹- همان: صص ۳۰۱

۱۰- سپانلو: صص ۳۰۱

۱۱- سپانلو: ص ۲۰۲

۱۲- مجلہ آشنا، شمارہ بست و ہفتم، ۱۳۷۱، ص ۲۱

۱۳- آریا پور، یحییٰ: از صبا تا ذیما، جلد اول، صص ۳۵۶

۱۴- همان: ص ۲۵۶

۱۵- آخونزادہ، میرزا فتحعلی: تمثیلات، ص ۳۸۰

۱۶- ... نہ شرقی، نہ غربی، انسانی، ص ۲۹۲

۱۷۔ آخونزادہ: تمثیلات، ص ۱۵۴

۱۸۔ ہمان: حصص ۱۸۸

۱۹۔ ملک، جمشید پور: ادبیات نمائشی در ایران، جلد اول، ص ۱۶۶